کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳



درس سوم

تحولی بزرگ

۱- خلاصه ای از سرگذشت وزیران و پادشاهی دقیانوس و دربارش را بنویسید.

تشنهٔ شنیدن سرگذشت اصحاب کهف بودم. به تملیخا گفتم: «می‌شود زودتر سرگذشتتان را برایم بگویی؟ واقعا صبرم دارد تمام می شود.»

تملیخا لبخندی زد و روی تخته‌سنگی نشست و از من و بشیر هم خواست که بنشینیم.

ــ ما وزیران پادشاهی به نام دَقیانوس در سرزمین اُفسوس در یونان بودیم. دقیانوس کاخ بسیار بزرگی داشت که ستون‌هایش را با طلا و قندیل‌هایی از نقره درست کرده بود. تخت پادشاهی‌اش با سنگ‌ها و جواهراتی قیمتی تزیین شده بود. تاجش با هفت لؤلؤ سفید، شب‌ها مانند چراغ می‌درخشید.

در کاخ پرندهٔ سفیدی با منقاری سرخ بود که هرگاه پادشاه سوت می‌زد، پرواز می‌کرد و در ظرفی از گلاب می‌نشست. سپس در ظرفی از مُشک پر و بال می‌زد. پادشاه سوت دیگری می‌زد و پرنده بالای سرش به پرواز درمی‌آمد و گلاب و مُشک را روی او می‌ریخت.

دقیانوس به هرکسی که دلش می‌خواست، جایگاه ویژه‌ای در دربار می‌داد؛ هرکسی را که می‌خواست، زندانی می‌کرد و تا دستور می‌داد کسی را به قتل برسانند، بلافاصله دستورش اجرا می‌شد. وقتی او این شوکت و عظمت را برای خودش دید، تصمیم جدیدی گرفت.

تملیخا ناگهان رو به بشیر گفت: «بیا باهم به ۳۰۹ سال قبل برگردیم تا از نزدیک اتفاقاتی را که رخ داده، ببینیم.»

چه پیشنهاد هیجان‌انگیزی! خدا خدا می‌کردم بشیر قبول کند که در چشم‌برهم‌زدنی، در کاخ بزرگ دقیانوس بودیم. تملیخا با ما نبود، بلکه سمت راست پادشاه ایستاده بود. صدایش زدم، اما انگار نمی‌شنید. بشیر گفت: «هیس! خودت تصمیم دقیانوس را گوش بده.»

از غلامان و در و دیوارها طلا و جواهر آویزان بود. همه در سکوت، چشمشان به دهان دقیانوس بود. همان پرندهٔ سفیدِ سرخ‌منقار، گلاب و مُشک بر سر دقیانوس ریخت و رفت.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۲- دقیانوس با چه عباراتی در جمع درباریان خود ، ادعای خدایی کرد؟

دقیانوس با صدای بلند گفت: «از امروز، من خدا هستم و شما بندهٔ من هستید. همه باید مرا بپرستید. هرکسی مرا بپرستد، به مال و ثروت می‌رسد و هرکسی از پرستش من سر باز زند، اعدام می‌شود.»

برخی تعجب کرده و برخی ترسیده بودند. حتی من هم که به آن زمان تعلق نداشتم، ترسیده بودم. بشیر گفت: «بیا به روز دیگری سفر کنیم.»

به روزی سفر کردیم که عید بود و کاخ، پر از درباریان. مقابل همه ظرف‌هایی پر از میوه و خوراکی‌های گوناگون قرار داشت. دقیانوس هم به تخت پادشاهی‌اش تکیه داده بود که ناگهان یکی از فرماندهان ارتش اجازهٔ ورود خواست و وارد شد. او با خود خبری ناگوار آورده بود:

ــ جناب دقیانوس؛ ای خدای ما و خدای سرزمین اُقسوس! ارتش دشمن به قصد جنگ، با سرعت در حال حرکت به سوی سرزمین ماست.

دقیانوس تا این خبر را شنید، چنان به خود لرزید که تاج از سرش افتاد. تملیخا به چهرهٔ وحشت‌زدهٔ دقیانوس خیره شد.

۳- فرمانده ارتش دقیانوس چه پیامی در باره دشمن به او داد و واکنش دقیانوس به این خبر چه بود؟

تلنگر

گفتم: خوش به حال دوستم که پدرش، هم ثروتمند است و هم مقام مهمی دارد.

گفت: چرا می‌گویی خوش به حالش؟

گفتم: دیگر نه غمی دارد و نه غصه‌ای می‌خورد.

گفت: فکر می‌کنی همیشه ثروت یا مقام به داد آدم‌ها می‌رسند؟

گفتم: پول، دوای هر دردی است. اگر بر فرض هم جایی به کار نیاید مقام، کار خودش را می‌کند.

گفت: اگر کمی فکر کنی یا پرس و جو، هر چقدر دلت بخواهد آدم‌هایی را پیدا می‌کنی که نه پول به دادشان رسیده، نه مقامشان.

گفتم: همین الآن که گفتی، بعضی‌ها به خاطرم آمدند که با دنیایی از غم و غصه زندگی می‌کنند با اینکه پول از پارویشان بالا می‌رود و مقام‌های بلند و بالایی هم دارند.

٤- آیا پول و مقام می تواند تمام مشکلات صاحبان ثروت و مقام را حل کند؟تأثیر آن را در زندگی دقیانوس بنویسید .

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۵- چه چیزی سبب شد تا تملیخا نسبت به ادعای خدایی دقیانوس دچار شک و تردید شود؟

بشیر درِ گوش من گفت: «تملیخا دارد با خودش فکر می‌کند اگر دقیانوس همان خدا باشد، نباید این‌طور مضطرب شود.»

و بعد گفت: «بیا برویم به چند روز بعد.» در چشم بر هم‌زدنی دیدم در خانهٔ تملیخا هستیم. او دوستانش را دعوت کرده و برایشان بساط غذا و نوشیدنی گسترده بود. دوستانش می‌خوردند و حرف می‌زدند اما خودش در فکر فرو رفته بود. کمی که گذشت، رو به دوستانش گفت:

«برادران من! مدتی‌ست از خودم می‌پرسم چه کسی آسمان را مثل سقفی بالای سر ما قرار داده؟ آن هم بدون اینکه به جایی بند باشد و یا روی ستونی قرار گرفته باشد. چه کسی زمین و آسمان را زیبا و مستحکم آفریده؟»

۶- تملیخا پس از دیدن وحشت دقیانوس ، با تفکر در آسمان ها و زمین ، در جمع دوستانش چه گفت؟

از حرف‌های تملیخا خوشم آمد؛ تفکر برانگیز بود. ادامه داد:

ــ این دنیا سازنده و تدبیرکننده‌ای دارد اما او دقیانوس نیست. خدای این عالم، پادشاه پادشاهان است و بر همه‌چیز غلبه دارد.[۱]

۷- تملیخا پس از تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین، چه نتیجه ای گرفت؟

ایستگاه تفکر

استفاده از نعمت عقل برای تملیخا چه فایده‌ای داشت؟

۱- ادعای دروغین خدایی دقیانوس را تشخیص دهد
۲- از شرک و پرستش انسان رهایی یابد.
۳- به خدای یکتا و حقیقی ایمان بیاورد
٤- درک ضعف و ناتوانی دقیانوس

دوستان تملیخا به فکر فرو رفتند. آنها خدایی را دوست داشتند که دلشان را آرام کند و از هیچ قدرتی نترسد.

از بشیر این حدیث را شنیده بودم که تفکر، عبادت بزرگی‌ست. وقتی دیدم تفکر تملیخا در خلقت آسمان‌ها و زمین چه اتفاقی را در زندگی او و دوستانش رقم زده، به اهمیت آن حدیث پی بردم.

۸- ارزش تفکّر از دیدگاه امام صادق علیه‌السلام را بنویسید.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

لحظه‌ای تفکر، از یک سال عبادت [بدون تفکر] برتر است.[۲]

۱ـ ر.ک: إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۲، ص ۳۶۰.
۲ـ بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۹- تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین و ادعای خدایی دقیانوس و نیز ترس او از حمله دشمن باعث چه تحوّلی در تملیخا و دوستانش شد؟

بشیر در گوشم گفت: «چیزی نمی‌گذرد که اینها به خدا ایمان می‌آورند. مدتی ایمانشان را پنهان می‌کنند تا اینکه روزی... . اصلاً بیا باهم به همان روز سفر کنیم.»

فوراً خودم را در جلسه‌ای دیدم که دورتادورش دقیانوس و بزرگان دربار نشسته بودند. تملیخا بلند شد و با صدای بلند گفت: «ای بزرگان سرزمین اُفسوس! بدانید که ربّ ما، ربّ آسمان‌ها و زمین است و ما کسی را جز او، خدای خویش نمی‌دانیم.»

دوستان تملیخا حرف او را تکرار کردند. همهمه شد. بعضی می‌گفتند اینها از جانشان سیر شده‌اند. بعضی هم می‌گفتند مگر عقل از سرشان پریده؟ آنها که در زندگیشان چیزی کم ندارند.

ایستگاه تفکر

تصمیم تملیخا و دوستانش یکی از نمونه‌های بارز حرکت برخلاف جریان رودخانه است. در این‌باره با هم‌کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید. سپس نمونه‌های دیگری را در دنیای امروز بیان کنید.

تملیخا و دوستانش به ما آموختند که **شجاعت**، **خرد** و **ایمان** می‌توانند بر هر جریان نادرستی غلبه کنند. این داستان فقط یک افسانه تاریخی نیست؛ بلکه یک **الگوی همیشگی** است. هرکدام از ما در زندگی روزمره خود، در مدرسه، خانواده و جامعه، با "جریان‌های نادرست" (دروغ، تقلب، بی‌عدالتی، بی‌توجهی) روبرو می‌شویم. انتخاب با ماست. **ساده‌ترین راه**: همراه جریان شویم. **سخت‌ترین اما شرافتمندانه‌ترین راه**: مانند تملیخا، از عقل و ایمان خود استفاده کنیم و **برخلاف جریان شنا کنیم**.

نمونه‌های بارز حرکت برخلاف جریان رودخانه در دنیای امروز

۱- شجاعت دربرابربی‌تفاوتی ۲- شجاعت دربرابرفساد ۳- شجاعت دربرابرشایعه‌پراکنی ٤- شجاعت دربرابرفرهنگ نادرست

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مناجات

زبانی گویا به هدایت می‌خواهم

اللّهُمَّ وَ أَنطِقنی بِالهُدیٰ

خدایا! کاری کن که با حرف‌هایم راه درست را به دیگران نشان بدهم. نکند با حرف‌هایم کسی را به گمراهی بکشانم.

وَ اَلهِمنی التَّقویٰ

آنجایی که نمی‌دانم چه کاری پرهیزگاری‌ست، خودت به دلم بینداز تا حیران نمانم.

وَ وَفِّقنی لِلَّتی هِیَ أَزکیٰ وَ استَعمِلنی بِما هُوَ أَرضیٰ.

من دوست دارم هر کاری که می‌کنم، پاک‌ترین و پسندیده‌ترین باشد. تمنا می‌کنم مرا در چنین کارهایی موفق بداری.

صحیفهٔ سجادیه، دعای بیستم، دعای مکارم الأخلاق

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۰- برای نمایش مردمی بودن شاه، در زمان تولد فرزندش چه کارهایی انجام شد؟

قصه: شاه‌دوستی که عاقبت شهید شد!

درحالی‌که بسیاری از مردم در فقر به سر می‌بردند، هزینهٔ زندگی شاه و خانواده‌اش سر به فلک می‌گذاشت؛ مثلاً همسرش پوست سنجاب دوست داشت که در روسیه پیدا می‌شد. با اینکه قیمتش سر به فلک می‌گذاشت، شاه دستور داد برایش بخرند.

همین خانم وقتی می‌خواست فرزند شاه را به دنیا آورد، شاه تصمیم گرفت نمایش مردمی بودن بدهد؛ به همین خاطر، برای به دنیا آمدن فرزندش بیمارستانی را در جنوب شهر انتخاب کرد.

سپس کسی را از مردم جنوب شهر پیدا کرد تا بساط تزیین و چراغانی خیابان‌های آن منطقه را به عهده بگیرد و به این ترتیب، در شهر بپیچد که مردم، شاه را دوست دارند و خودشان برای تزئین و چراغانی پیش‌قدم می‌شوند.



دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۱- چه کسی برای انجام نمایش مردمی بودن شاه در زمان تولد فرزندش انتخاب شد؟ چرا

برای این کار، چه کسی بهتر از طیّب خان؟ مردی که در میدان میوه و تره‌بار تهران برای خودش کسی بود و همه از او حساب می‌بردند. ۱۲- چرا طیّب خان از شاه حمایت می کرد و حاضر شد در نمایش تولد فرزندش کار کند؟

به سراغش رفتند و او هم قبول کرد؛ اما به یک شرط. چه شرطی؟ که هیچ‌کس در این کار دخالت نکند و حتی حفاظت از جان همسر شاه و فرزندش هم به عهدهٔ طیّب و دار و دسته‌اش باشد. شاه شرط طیّب خان را قبول کرد و چراغانی و فرش کردن خیابان‌ها هم شروع شد.

فرزند شاه به دنیا آمد و شاه می‌خواست به بیمارستان بیاید. رئیس گارد تشریفات شاهنشاهی، سرهنگ نصیری بود. او پیش از شاه وارد بیمارستان شد تا بررسی‌های امنیتی را انجام بدهد. در میان بررسی‌هایش با طیّب خان بر سر مسئله‌ای درگیر شد. وقتی شاه به بیمارستان آمد، از طیّب‌خان دلجویی کرد، چون دیگر پیش شاه جایگاهی پیدا کرده بود. طیّب خان هم از شاه حمایت می‌کرد، چون به خیالش شاه‌دوستی یعنی ایران‌دوستی. از طرفی، طیّب خان به امام حسین علیه‌السلام عشق می‌ورزید. او پولدار بود و می‌گفت: «من پولم را دو قسمت می‌کنم؛ قسمتی برای خرج خودم و بقیه‌اش برای امام حسین علیه‌السلام.» ۱۳- طیّب خان عشق و ارادت خود را به امام حسین علیه‌السلام چگونه نشان می داد؟

دستهٔ زنجیرزنیِ ماه محرمِ طیّب خان معروف بود. روزی یکی از دوستانش که از یاران امام خمینی هم بود، به دیدار طیّب رفت و گفت: «پیش آقای خمینی بودیم که حرف تو و دستهٔ عزاداری‌ات شد. بعضی‌ها گفتند بچه‌های انقلابی می‌خواهند روز عاشورا دسته راه بیندازند اما می‌ترسند دار و دستهٔ طیّب خان آن را به‌هم بریزند.» ۱۴- نقل قول یکی از دوستان طیّب خان در باره دسته زنجیر زنی محرم او چه بود؟

طیّب خوب گوش می‌داد تا ببیند امام خمینی چه جوابی داده است. دوستش ادامه داد:

ــ آیت‌اللّه خمینی در جواب نگرانی بچه‌های انقلابی گفت: «نه، این‌طور نیست. طیّب و دار و دسته‌اش به اسلام علاقه دارند و خادم امام حسین علیه‌السلام هستند. پس خاطرتان جمع باشد که آنها مزاحم شما نمی‌شوند.» ۱۵- نظر آیت الله خمینی در باره طیّب خان و دسته زنجیر زنی او را بنویسید.

طیّب از حرف امام خمینی خوشش آمد. همان‌جا دست کرد در جیبش و پولی به پسرش اصغر داد و گفت: «برو عکس حاج‌آقا خمینی را بگیر تا در دسته‌هایمان از آن استفاده کنیم.»

خرداد سال ۱۳۴۲ هم‌زمان شده بود با محرم. امام خمینی به دلیل اعتراض به قانون کاپیتولاسیون[۱] در زندان به سر می‌برد. طیّب مثل هر سال بزرگ‌ترین دستهٔ عزاداری را به راه انداخت. اما مردم شاهد چیز جدیدی در دسته بودند؛ عکس‌های حاج‌آقا روح‌اللّه خمینی. نگاه مردم به عکس‌ها خیره شده بود؛ آن هم زمانی‌که رژیم شاه دنبال بهانه‌ای می‌گشت تا مدافعین امام خمینی را دستگیر و زندانی کند. ۱۶- ماجرای خرداد ۱۳۴۲ که منجر به زندانی شدن آیت الله خمینی شد، چه بود؟ نقش طیب خان در این ماجرا را بنویسید؟

۱ــ براساس این قانون، آمریکایی‌هایی که در ایران بودند، مصونیت قضایی داشتند؛ یعنی هر جرمی که مرتکب می‌شدند، دولت ایران حق محاکمهٔ آنها را نداشت.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مأموران رژیم شاه، پیش طیّب خان آمدند و گفتند عکس‌ها را بردارد. طیّب خان قبول نکرد. سپس تهدیدش کردند؛ اما باز هم به خرجش نرفت.

دو سه روز بعد، در روز ۱۵ خرداد، مردم در اعتراض به دستگیری امام خمینی دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. رژیم شاه توقع داشت طیّب خان مثل گذشته شاه‌دوستی‌اش را ثابت کند و اجازه ندهد طرفدارانش وارد صف تظاهرات شوند؛ اما نه‌تنها این طور نشد، بلکه او میدان میوه و تره‌بار تهران را در اعتراض به دستگیری امام‌خمینی تعطیل کرد و باعث شد تظاهرات مردمی شور

۱۷- چرا طیب خان پس از دستگیری و زندانی شدن و در نهایت به اعدام محکوم شدن، حاضر نشد شرط مأموران رژیم شاه را بپذیرد. (از آیت الله خمینی پول گرفته)

رژیم شاهنشاهی از دست طیّب خان عصبانی شد و بالآخره او را دستگیر کرد. حکم طیّب خان اعدام بود، اما به او گفتند به یک شرط نجات پیدا می‌کند. چه شرطی؟ اینکه بگوید آیت‌اللّه خمینی به من پول داد تا مردم را به خیابان بیاورم.

طیّب اگر این را می‌گفت، همه‌چیز به نفعش تمام می‌شد. اما هر چقدر او را تهدید کردند، کمتر نتیجه گرفتند.

چند روز بعد، یکی از نزدیکان طیّب در زندان به ملاقات او رفت و گفت: «مگر چه اشکالی دارد بگویی از حاج‌آقا خمینی پول گرفته‌ای و از زندان خلاص شوی؟»

طیّب که از این حرف خوشش نیامده بود، نگاه تندی به او کرد و گفت: «من تنها امیدم خدمت به خانوادهٔ امام حسین علیه‌السلام است. چطور می‌توانم فرزند امام حسین علیه‌السلام را بیندازم زیر دست این مأموران بی‌رحم؟ مگر دنیا چه ارزشی دارد که من به‌خاطر دو روز زندگی بیشتر، دروغ بگویم؟»

طیب را شکنجه کردند، اما او محکم و استوار ایستاد و گفت: «من حاضر نیستم به یک مرجع تقلید تهمت بزنم.»

سرانجام سحر یازدهم آبان سال ۱۳۴۲ بود که از پادگان حشمتیهٔ تهران صدای تیرهایی شنیده شد. مقصد تیرها قلب طیّب حاج رضایی بود. او با شهادت، از دنیا رفت و در صحن حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام دفن شد.[۱]

۱۸- سرانجام طیب خان پس از حمایت او از آیت الله خمینی ، چه شد؟

برداشت

بین زندگی طیب و تملیخا مقایسه‌ای انجام دهید و شباهت‌های میان این دو زندگی را بگویید.

طیب و تملیخا، هر دو ثابت کردند که: شجاعت، به معنای نترسیدن نیست؛ به معنای ارزشمند دانستن چیزی بالاتر از جان است. ثروت و مقام، وقتی در مسیر حق قرار گیرد، نعمت است؛ نه مانع. دشمن اصلی، همیشه یک فرد نیست؛ بلکه یک «جریان باطل» است (شرک درزمان تملیخا / استکبار درزمان طیب). هر تحول بزرگ بیرونی، با یک «انقلاب درونی» و «خودآگاهی» آغاز می‌شو

۱ـ برگرفته از

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

احکام: نماز و روابط بین الملل

حاج‌آقای محمدی کمی قبل از اذان مغرب وارد مسجد شد. بعضی از جوان‌ها دور هم نشسته بودند و حرف می‌زدند. حاج‌آقا از همان دمِ در به همه سلام کرد. جوان‌ها جواب سلامش را دادند و او را به جمع خودشان دعوت کردند. حاج‌آقا وقتی نشست، گفت: «انگار بحثتان خیلی داغ شده؛ صدایتان تا دم در مسجد می‌آمد.»

یکی از جوان‌ها گفت: «اختلاف نظر داریم. بعضی معتقدیم نباید این‌قدر در برابر ابرقدرت‌های دنیا بایستیم؛ چون با وجود پیشرفت‌هایمان هنوز آنها قوی‌تر از ما هستند، ما را تحریم می‌کنند و کشورهای معترض را تهدید می‌کنند. بعضی هم می‌گوییم اگر در برابر دولت‌های زورگو کوتاه بیایی، زمین می‌خوری؛ چون آنها منتظرند ضعف نشان بدهی تا بیشتر جلو بیایند. پس باید محکم ایستاد.»

۱۹- جایگاه تکبیرة الإحرام در نماز را بنویسید (توضیح دهید)

صدای اذان بلند شد. حاج‌آقا گفت: «یک نکتهٔ کلیدی هست که باید در نظر بگیرید تا إن‌شاءالله اختلافتان حل شود. اجازه هست این نکته را به‌صورت عمومی بگویم که همه استفاده کنند؟»

بچه‌ها موافقت کردند و حاج‌آقا به‌طرف محراب رفت. حاج‌آقا بعد از نماز، در سخنرانی‌اش گفت: «یکی از واجبات نماز تکبیرةالاحرام است که اگر عمداً یا سهواً گفته نشود، نماز باطل می‌شود؛ یعنی تکبیرةالاحرام رکن نماز است و بدون آن، نمازمان باطل می‌شود.»

نمایندهٔ یکی از گروه‌ها گفت: «حاج‌آقا! قرار بود نکته‌ای برای حل اختلاف ما بگویید.»

حاج‌آقا لبخندی زد و ادامه داد:

۲۰- اذان و اقامه در نماز واجب است یا مستحب؟ و چند بار باید خوانده شوند؟

ــ مستحب است برای نمازهای واجب، اذان و اقامه بگوییم. در اذان شش بار و در اقامه چهار بار الله‌اکبر می‌گوییم. در نماز وقتی از حالتی به حالت دیگر منتقل می‌شویم، مثلاً از رکوع به سجده، یا از سجدهٔ اول به سجدهٔ دوم، مستحب است الله‌اکبر بگوییم. بعد از سلام نماز هم مستحب است سه بار الله اکبر بگوییم. بعد از نماز، مستحب است تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوییم؛ ۳۴ مرتبه الله‌اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان‌الله. اصلاً این الله‌اکبر یعنی چه که این‌قدر توصیه شده تکرارش کنیم؟

۲۱- در چه مراحل یا مقاطعی از نماز و پس از نماز «الله اکبر» گفته می شود؟

همان نماینده گفت: «یعنی خدا بزرگ‌تر است.»

حاج‌آقا گفت: «امام صادق علیه السلام فرموده که الله‌اکبر یعنی خدا بزرگ‌تر از آن است که بشود توصیفش کرد.»[1]

۲۲- امام صادق علیه السلام در باره معنای الله أکبر چه فرمودند؟

۱ـ الکافی، ج ۱، ص ۱۱۷.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

و حرفش را این‌طور ادامه داد:

۲۳- گفتن عبارت «الله أکبر» به صورت روزانه در نماز چه تأثیری در مبارزه با ابرقدرت ها دارد؟

ــ ابرقدرت‌های جهان قوی‌تر هستند یا خدا؟ حیف نیست روزانه این‌قدر الله‌اکبر بگوییم اما از ابرقدرت‌ها بترسیم؟ اگر به خدا و عظمتش ایمان بیاوریم، خودِ خدا می‌شود مدافع ما.

إِنَّ اللهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذينَ آمَنوا.

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند.[۱]

۲۴- تلاش برای قدرتمند شدن از طریق تجهیزات در کنار ایمان به قدرت مطلق خدا چگونه راهگشا خواهد بود؟

از طرف دیگر، درست است که ما باید همهٔ تلاشمان را بکنیم تا قوی و قدرتمند شویم؛ اما نباید خیال کنیم تنها با اتکا به قدرت و تجهیزاتمان می‌توانیم بر دنیا غلبه کنیم. نماز به ما می‌گوید در میان تمام قدرت‌ها حواستان باشد خدایی هست بزرگ‌تر از آنکه بشود توصیفش کرد.

علی آقا که از حرف‌های حاج‌آقا خوشش آمده بود، گفت: «پس می‌توانیم با هر بار نماز خواندن، یک عالمه احساس قدرت کنیم.»

از نگاه جوان‌ها پیدا بود که حرف‌های حاج‌آقا آنها را به فکر فرو برده است.

سؤال: امام جماعت به رکوع رفته بود و من می خواستم به نماز جماعت برسم. به همین دلیل، یک قدم مانده به صف جماعت، تکبیرةالاحرام را گفتم و بعد هم به رکوع رفتم. آیا نماز من صحیح است؟

جواب: تکبیرةالاحرام باید در حالی گفته شود که بدن آرام است. پس اگر کسی عمداً تکبیرةالاحرام را در حالت حرکت بدن بگوید، نمازش باطل است.

ایستگاه تفکر

برخی از نمونه‌های ابرقدرت‌های امروزی را در کلاس بیان کنید و دربارهٔ آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

۱ـ سوره حج، آیهٔ ۳۸.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱- **ایالات متحده آمریکا :** نظامی (پیشرفته‌ترین ارتش)، اقتصادی (دلار)، فرهنگی (هالیوود، شبکه‌های اجتماعی)

۲- **چین :** اقتصادی (بازار عظیم، تولید انبوه)، فناوری (هوش مصنوعی، نظارت)، نظامی (در حال گسترش)

۳- **رژیم صهیونیستی :** نفوذ رسانه‌ای، لابی‌های قدرتمند، تکنولوژی‌های امنیتی و جاسوسی

٤- **شرکت‌های چندملیتی (مثل اپل، گوگل، آمازون):** سلطه بر اطلاعات و داده‌های شخصی میلیاردها نفر، تأثیرگذاری بر سبک زندگی

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

◆ ۱|| در فضای مجازی مطلبی را می‌بینم که جالب و احساساتی است؛ اما قبل از انتشار، دربارهٔ درستی آن تحقیق می‌کنم. به نظر شما آیا به حدیث امام صادق علیه‌السلام که فرمودند «لحظه‌ای تفکر از یک سال عبادت برتر است»، عمل نموده‌ام؟ دلیل خود را بنویسید.

.....

.....

اکنون در موقعیت زیر، یک رفتار صحیح پیشنهاد دهید که نشان دهد شما نیز به این حدیث عمل نموده‌اید.

قضاوت دربارهٔ هم‌کلاسی جدید

.....

.....

◆ ۲|| چه تفاوتی بین کسی که بدون تفکر عبادت می‌کند با کسی که عبادتش همراه با تفکر و شناخت است وجود دارد؟

.....

.....

به نظر شما تملیخا در کدام دسته قرار می‌گیرد؟ چرا؟

.....

.....

◆ ۳|| حسین از روی فراموشی تکبیرةالاحرام اول نماز را نگفت. حکم نماز او چیست؟ چرا؟

.....

.....

◆ ۴|| با توجه به سخن امام صادق علیه‌السلام «الله‌اکبر» به چه معناست و چه پیامی برای ما دارد؟

.....

.....

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

جواب سؤال ۱ قسمت اول

۱- **تفکر قبل از عمل** :امام صادق (ع) در این حدیث به ارزش **"تفکر سازنده** "اشاره می‌فرمایند. شما با تحقیق دربارهٔ درستی مطلب قبل از انتشار، دقیقاً همین کار را انجام داده‌اید.

۲- **پرهیز از عبادت بدون آگاهی** :عبادت بدون تفکر ممکن است به بیراهه رفتن منجر شود. در فضای مجازی نیز انتشار مطلب بدون تحقیق، می‌تواند **شایعه‌پراکنی** -که در اسلام حرام است - باشد. شما با تفکر و تحقیق، از انجام عملی نادرست جلوگیری کرده‌اید.

قسمت دوم:

"قضاوت نکردن و شناخت بیشتر"

۱- **توقف در قضاوت عجولانه:** وقتی هم‌کلاسی جدید وارد کلاس می‌شود، از قضاوت سریع دربارهٔ ظاهر، رفتار یا صحبت‌های اولیهٔ او خودداری می‌کنم.

۲- **تفکر و تحلیل:** با خود فکر می‌کنم: "هر کسی ممکن است در برخورد اول خجالتی، کم‌حرف یا برعکس، پرحرف به نظر برسد. برای قضاوت درست باید **فرصت کافی** داد و **بیشتر او را شناخت**".

جواب سؤال ۲ پرسش

عبادت بدون تفکر (عبادت تقلیدی) ویژگی‌ها:
۱- فاقد درک مفاهیم و فلسفه عبادات
۲- با کوچکترین شک و شبهه، ایمانش متزلزل می‌شود
۳- ممکن است به **تکبر** مبتلا شود (خود را عابدتر از دیگران دانستن)
٤-- مانند درختی است که ریشه عمیقی ندارد (فاقد رشد و تعالی)

ب) عبادت همراه با تفکر (عبادت آگاهانه) ویژگی‌ها:
۱. **هر عبادت، مدرسه‌ای برای تربیت است:**
○ **نماز ⟶ تمرین نظم و انضباط و اخلاص**
○ **روزه ⟶ ورزش تقوا و کنترل شهوات**
۲. **هر لحظه عبادت، پلی به سوی خدا:**
○ **با هر رکوع و سجود، به خدا نزدیک‌تر می‌شود**
○ **عبادت برایش لذت‌بخش می‌شود، نه بار سنگین**
۳. **مقاوم در برابر طوفان‌ها:**
○ **مانند درختی است که ریشه در اعماق زمین دارد**
○ **در برابر مشکلات و شبهات، استوار و پابرجا می‌ماند**

جواب سؤال ۲ قسمت دوم:

تمثیل در دستهٔ "عبادت‌کنندگان آگاه و متفکر" قرار می‌گیرد زیرا:

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱. **سؤال کرد** ⟶ جامعه را نقد فکری کرد
۲. **تفکرکرد** ⟶ از عقلش استفاده کرد
۳. **شناخت پیدا کرد** ⟶ به یقین رسید
٤. **عمل کرد** ⟶ بر اساس شناختش، ایمان آورد و ایستادگی کرد

جواب سؤال ۳ پرسش :

چون تکبیرة الإحرام از ارکان نماز می باشد ترک آن چه از روی عمد و چه سهواً باشد، نماز باطل می شود.

جواب سؤال ٤ پرسش :

خدا بزرگ تر از آن است که بشود توصیفش کرد.

توضیح بیشتر این حدیث: (برای اطلاعات عمومی)

پیام‌های عمیق این حدیث برای زندگی ما

پیام ۱: خدا را درقالب ذهنی محدود نکنیم

- ما اغلب خدا را به اندازه‌ی **درک محدود خودمان** می‌شناسیم
- اما خدا **فراتر از تمام تصورات و توصیفات** ماست
- **مثال** :مانند کودکی که می‌خواهد اقیانوس را در لیوان آب جای دهد!

پیام ۲: هیچ مشکلی دربرابرخدا بزرگ نیست

- وقتی می‌گوییم «الله اکبر» یعنی:
  - مشکل من از خدا بزرگ‌تر **نیست**
  - دشمن من از خدا قدرتمندتر **نیست**
  - آرزوهای من برای خدا دست‌نیافتنی **نیست**

پیام ۳: آزادی از ترس و وابستگی‌های دنیوی

- اگر خدا از همه چیز بزرگ‌تر است، پس:

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

- از **قدرت‌های دنیا** نمی‌ترسیم
- به **ثروت و مقام** وابسته نمی‌شویم
- برای جلب رضایت دیگران، خدا را فراموش نمی‌کنیم

فعالیت‌های عملکردی

۱ تمرین تفکر (فردی)

یکی از تصمیم‌هایی را که اخیراً برای زندگی خود گرفته‌اید تحلیل کنید؛ آیا با فکر به این تصمیم رسیدید یا دنباله‌روی از دیگران شما را به این تصمیم رساند؟ اگر به عقب برگردید، آیا باز همان تصمیم را می‌گیرید یا خیر؟

۲ مناجات (فردی)

بندهٔ دوست‌داشتنی خدا! یک مناجات بنویس و در آن از خدا به‌خاطر راهنمایی‌هایش تشکر کن، سپس از او برای انتخاب درست در مسیر دوراهی‌ها یاری بخواه.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس